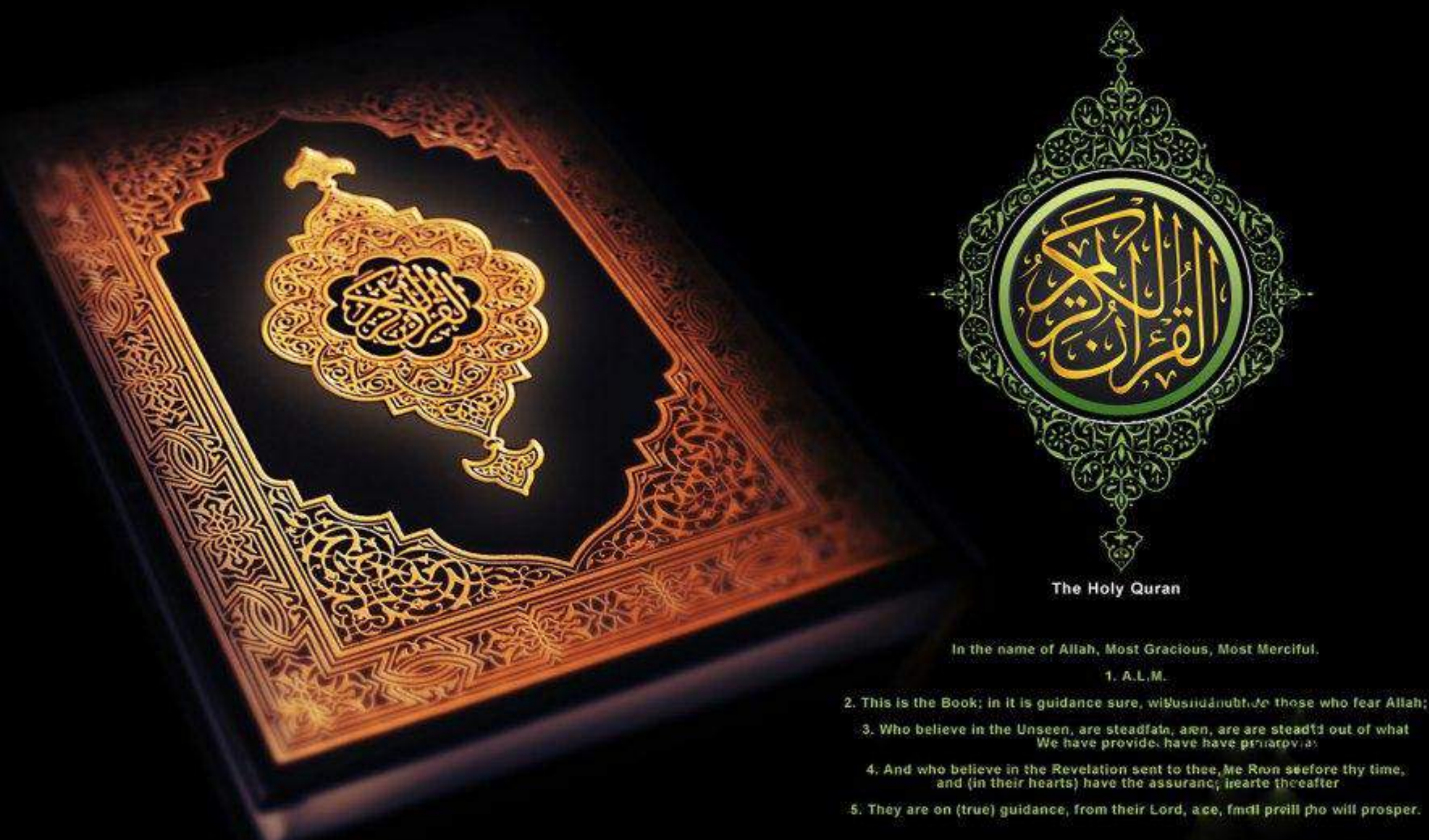


تألیف و تحقیق: مراد یوسفی

تضاد یا تطابق
قرآن و علم

پاسخ عقلی به ٤١ اشکال علمی وارد شده به قرآن

***

شبهه‌ی دوم: خروج منی از بین ستون فقرات و دنده‌ها

سوره‌ی طارق: فَلْينظُرِ الْإِنسانُ مِم خُلِقَ (٥) خُلِقَ مِن ماء دافِقٍ (٦) يخْرُج مِن بين الصلْبِ والتَّرَائِبِ (٧) ترجمه: پس انسان باید بنگرد که از چه آفریده شده است (۵) از آب جهنده‌ای خلق شده (۶) [که] از بین ستون فقرات و استخوانهای سینه بیرون می‌آید (۷)

در آیه‌ی زیر نیز می‌گوید نسل آدم را از پشت انسان برگرفته است که مؤید همان آیات قبل است

وإِذْ أَخذَ ربك مِن بنِي آدم مِن ظُهورِهِم ذُريتَهم وأَشْهدهم علَى أَنفُسِهِم أَلَست بِرَبكُم قَالُواْ بلَى شَهِدنَا أَن تَقُولُواْ يوم الْقِيامةِ إِنَّا كُنَّا عنْ هذَا غَافِلِين – اعراف (۱۷۲)

ترجمه: و هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم ذریه (نسل) آنان را برگرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا پروردگار شما نیستم گفتند چرا گواهی دادیم تا مبادا روز قیامت بگویید ما از این [امر] غافل بودیم.

امروزه مشخص است که منی در بیضه‌ها ساخته می‌شود و در کیسه‌ی منی ذخیره می‌شود و از مجرای ادرار خارج می‌شود و محل ساخت و مسیر خروج آن هیچ ربطی به ستون فقرات و سینه ندارد. پس این گفته‌ی قرآن، غلطی فاحش است. این غلط، ریشه در خرافات باستانی دارد. مثلا

Hippocrates پزشک یونانی در ۲۵۰۰ سال قبل معتقد بود که منی از مغز سرچشمه می‌گیرد و سپس وارد نخاع موجود در ستون فقرات می‌شود و از آنجا به کلیه و بیضه و مجرای ادرار می‌رود (Hippocratic Writings, Penguin Classics, 1983, pgs.317-318) همچنین در تورات (۳۰۰۰ سال پیش) در موارد متعدد بهمین مطلب اشاره شده است از جمله خدا در خطاب به یعقوب می‌گوید " پادشاهان بسیار از پشت (صلب) تو پدید خواهند آمد" (Torah, Genesis 35:11)

این غلط در بین اعراب نیز از قدیم و حتی امروز شایع است. می‌بینید که محمد یک غلط عامیانه را به اسم خدا وارد قران کرده است. بیچاره خدائی که نمی‌داند منی در کجا ساخته و جریان می‌یابد. خطای واضح دیگر در آیات سوره‌ی طارق اینست که می‌گوید انسان از منی مرد ساخته می‌شود. چون گفته شده که انسان از آب جهنده ساخته می‌شود. آب جهنده فقط در مورد منی در مرد صادق است. چون زن اصولا فاقد منی است و تنها ترشحاتی در دیواره‌ی مجرای تناسلی و رحم دارد که انتقال اسپرم را تسهیل می‌کند. و تخمک زن هم با پاره شدن جدار تخمدان آزاد می‌شود و آب جهنده نیست. از طرف دیگر اگر می‌خواست بگوید که انسان از منی مرد و زن ساخته می‌شود باید آب جهنده را بصورت تثنیه بکار می‌برد نه مفرد. بعلاوه در هیچ جای قرآن به نقش زن در نطفه اشاره‌ای نشده است. این هم یک باور غلط قدیمی بود که بچه را صرفا حاصل منی مرد می‌دانستند و حتی تا همین اخیر نیز در جوامع رایج بود. بازهم می‌بینید که محمد این غلط رایج را وارد قرآن کرده و به خدا نسبت داده است. لازم به ذکر است که در روایاتی صحبت از آب زن و مرد شده است. در صورت صحت روایات مذکور بنظر می‌رسد که محمد متوجه این خطای خود در قرآن شده است و در حدیث سعی در اصلاح آن کرده است ولی به هر صورت آنچه در قرآن آمده است غلط است.

پاسخ به شبهه:

تفسیر دلخواه خود را می‌نویسد، سپس در قیافه‌ای حق به جانب آن را نقد می‌نماید!

آیا این اسلوب یک نقد منصفانه است؟ به هیچ عنوان.

درمورد آیات شریفه‌ی سوره‌ی مبارکه‌ی طارق بحث‌های فراوانی صورت گرفته است ابتدا به ترجمه‌ی آیات یک بار دیگر توجه بفرمایید:

«انسان باید نگاه کند که از چه چیزی آفریده شده؟ از آبی جهنده ساخته شده است، آبی که خارج می‌شود ازمیان صُلب و ترائب»

با توجه به این که فقط مایع جنسی مرد جهنده می‌باشد پس نتیجه می‌گیریم که آیه تنها در مورد اسپرم سخن گفته است. مشکل مفسران گذشته این بوده که تصور نموده‌اند این دافق و جهندگی در مورد مایع مرد و زن ارائه شده است، لذا آمده‌اند بحث پشت مرد و سینه زن را به ترجمه آیات افزوده اند، در حالی که این گونه نیست.

صُلب قطعا به معنای سختی و سفتی می‌باشد(نه ستون فقرات ، و استفاده از ستون فقرات برای تفسیر فقط یک فرض است) ولی در مورد ترائب چندین معنا وجود دارد و همین کار را کمی پیچیده‌تر کرده است.

عزیزان توجه داشته باشید که خداوند منان ۱۴۰۰ سال پیش این آیات را فرستاده است، برخی از آیات بنا بر حکمت پرودگار واضح نیستند و ما نمی‌دانیم که دقیقا پرودگار چه می‌فرماید، لذا مفسرانِ گرامی برای پیدا نمودن این نقاط گنگ به توضیح آیات پرداخته‌اند.

درمورد این سه آیه از سوره‌ی مبارکه‌ی طارق تا به حال تفاسیر بسیار زیادی دیده‌ام، حال یکی از تفسیرها می‌گوید منظور ستون فقرات و استخوان سینه می‌باشد. فرد شبهه‌افکن هم همین را به منزله‌ی معنای واقعی و تفسیر صد درصدی آیه در نظر گرفته و به آن حمله کرده است ولی همانگونه که گفتیم اولا این آیه در مورد مایع جنسی مرد است و صلب و ترائب معانی دیگری دارند.

تذکر:

در اینجا ناباوران از فرصت سوءاستفاده می‌کنند و می‌گویند پس چرا خداوند می‌فرماید قرآن به سادگی نازل شده و کتاب راهنمای بشریت می‌باشد؟! در حالی که همچین مسائل گنگی در آن وجود دارد؟

در پاسخ می‌گوییم خدای منان آنچه مربوط به هدایت بشر باشد را به طور کاملا ساده بیان کرده است مواردی همچون توحید و معاد و قصص انبیاء و احکام و... ولی اینکه برخی از آیات این گونه هستند معانی آنها طوری نیست که فرد بگوید من هدایت نمی‌شوم. در قرآن این همه عظمت و بزرگی وجود دارد فردی بگوید من بخاطر این یک مورد آن را قبول ندارم بی‌شک قصد بهانه‌گیری دارد. تازه گفتیم که در این یک مورد هم تفاسیر متفاوت وجود دارد و شبهه‌افکنان فقط آن تفسیرهای ضد علم (که ناشی از بی‌اطلاعی آن مفسران عزیز از مسائل علمی بوده است) را برگزیده‌اند.

مخاطبان عزیز در تمام این التهابات آنچه ثابت و پابرجاست کلام حق تعالی می‌باشد که فرموده است: «**يخرج من بين صلب و ترائب**» حال شخصی بیاید یک تفسیر را نقد نماید کار او به معنای نقد قرآن نیست.

در ادامه ثابت می‌کنیم آن تفسیری که ضد علم است مورد قبول ما مسلمین هم نیست.

گفتیم که بی‌شک این آیات در مورد مرد می‌باشد و تمام تفاسیر و ترجمه‌هایی که بحث زن را کرده‌اند این نکته را در نظر نگرفته‌اند، همچنین صلب بدون هیچ گمانی به معنای سختی می‌باشد، اما ترائب معانی متفاوتی دارد توجه بفرمایید:

الف) عده‌ای به آن استخوان سینه می‌گویند

ب) عده‌ای می‌گویند از تراب می‌آید و خاک نرم است و به معنای نرم می‌باشد

ج) عده‌ای می‌گویند می‌تواند به معنای امور دوتایی در بدن باشد، دست‌ها، پاها، ران‌ها (تفسیر قرطبی، ج ۲۰، ص۵)

و معانی دیگر...

با توجه به این معانی مفسران دیدگاه‌های متفاوتی دارند

افراد (الف) می‌گویند منظور آیه ستون فقرات و سینه است چون مایعات و محتویات لازم برای تشکیل منی از ناحیه‌ی شکم و این اعضا تامین می‌شود.

افراد(ب) می گویند لگن که سخت است و مثانه در قسمت جلو نرم است

برای مورد (ج) موضوع دوتایی بودن می‌تواند پاسخ مهمی برای مسأله دریافت کرد، قسمت صلب که ثابت است و مکان سفت و سختی می‌باشد (استخوان خاجی یا ساکروم را در نظر بگیرید، روی گوگل بنویسید ساکروم تا عکسش را ببینید) برای ترائب هم:

محل ذخیره‌ی اسپرم‌ها پیش از خروج مکانی به نام «اپی دیدیم» می‌باشد که درست در پشت بیضه‌ها قرار دارد و به آنها چسپیده است، با این حال در جلوی اپی دیدیم چه قرار دارد؟ بیضه، که نرم هم می‌باشد.(روی گوگل بنویسید اپی دیدیم و به عکس آن توجه بفرمایید)

حال بیضه‌های مرد هم دو عدد می‌باشد به صورت قرینه و با در نظر گرفتن این معنی (ترائب به معنای دو عضو یکسان یا قرینه) می‌توانیم به تفسیر قابل تاملی دست پیدا کنیم(حتی عده ای از مفسران می گویند می تواند منظور از این دو مورد ران ها باشد...)

اگر دقت بفرمایید قرآن کریم می‌فرماید یخرُجُ، یعنی خارج می‌شود.

یعنی در آنجا بوده و خارج می‌شود، همانگونه که ذکر شد اپی دیدیم محل ذخیره‌ی اسپرم‌ها می‌باشد دقیقا در پشت بیضه هاست و مایع جنسی مرد بعد از انزال از آنجا خارج می گردد.

اما عزیزان باز هم تکرار می‌کنم نویسنده از بین چندین تفسیر، غیر علمی‌ترینِ آنها را انتخاب نموده و می گوید در قرآن اشتباه وجود دارد که در بهترین حالت، نقد او متوجه تفسیر و ترجمه است نه قرآن کریم.

شبهه‌افکن در ادامه، چند ادعای دیگر را هم مطرح کرده است که به آنها پاسخ می‌دهیم:

اولا اشتباه در کتاب‌های یونانی به ما هیچ ربطی ندارد چون ثابت کردیم در قرآن هیچ خطایی وجود ندارد و شما در اشتباه هستید.

ثانیا ادعا می‌کنید در تورات می‌گوید از پشت، منی خارج می‌شود. مراجعه می‌کنیم به تورات توجه بفرمایید:

ملل زیاد و پادشاهان بسیار از نسل تو پدید خواهند آمد. سرزمینی را که به ابراهیم و اسحاق دادم به تو و به نسل تو نیز خواهم داد... (پیدایش، باب ۳۶ بندهای ۱۰ تا ۱۵)

و اصلا بحث صلب و تولید منی از پشت و... وجود ندارد، پشت در اینجا منظور نسل و ذریه است ولی متاسفانه نویسنده فکر می‌کند اگر شخصی به نوه‌هایش بگوید شما از پشت من هستید منظورش این است موادی از پشت او بیرون آمده و فرزند و نوه‌ها را ساخته! در حالی‌که این یک اصطلاح عمومی است و منظور آن «نسل» می‌باشد.

ثالثا در ادعایی دیگر می‌گوید طبق نظر قرآن فقط مایع جنسی مرد در ایجاد جنین نقش دارد و قرآن به ایجاد نطفه و ترکیب اسپرم و تخمک‌ها باور ندارد. می‌گوییم قرآن را باید با قرآن فهم کرد (نویسنده در اکثر شبهات از همین قاعده استفاده می‌کند) لذا آیه‌ی دوم سوره‌ی مبارکه‌ی انسان را مطالعه می‌کنیم:

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْناهُ سَميعاً بَصيراً «ما انسان را از نطفه آمیخته (از اسپرماتوزوئید و اوول) آفریده‌ایم، و چون او را (با وظائف و تکالیفی، بعدها) می‌آزمائیم، وی را شنوا و بینا، (به عبارت دیگر عاقل و دانا) کرده‌ایم».

پس در قرآن کریم هیچ اشکالی وجود ندارد و اشکال از فهم نادرست مخالفان می‌باشد.

***